

## پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

## به مناسبت ۱۹ بهمن، سی و چهارمین سالگرد حماسه و قیام سیاهکل

در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ یک دسته پارتیزانی از چریکهای فدایی خلق به پاسگاه ژاندارمری شهرک سیاهکل در منطقه لاهیجان حمله کرده و آن را خلع سلاح کردند و با این اقدام جسورانه خود که در فضای اختناق و سرکوب رژیم محمد رضا شاه انجام گرفت، مشعل آزادیخواهی را برافروختند. ۱۹ بهمن همچون آذرخشی روشنایی بخش در شبانگاه تیره و تاریک دیکتاتوری سلطنتی درخشید و با عمل انقلابی، خط و مرزهای غیر واقعی را درنوردید و در جنبش آزادیخواهی مردم ایران، مرزهای حقیقی بین مردم و دشمن را ترسیم کرد.

شور و شوقی که پس از عملیات سیاهکل برای رهایی مردم و عشق به آزادی ایجاد شد به جوانان میهن ما جرات داد تا مرزهای کهن را درهم بشکنند و ریسک پای گذاشتن به آینده را بپذیرند.

رزمندگان دلیر فدایی با به سخره گرفتن دیکتاتوری شاه، بی هیچ پروا، بی هیچ وسواس و تردید، «جزیره آرامش» رژیم شاه را به دریای توفانی تبدیل کردند و «اعلیحضرت قدرقدرت» را از مرکب خودپسندی، دروغگویی، خرافه پرستی و سرکوبگری به زیر کشیدند تا سرانجام این رژیم ستمگر با قیام مردم ایران در ۲۱ بهمن سال ۱۳۵۷ سرنگون شد.

به راستی پیشتازان فدایی بسیاری از قفسها را در هم شکستند و دیوارهای ضخیم مکتب سازان بی عمل را ویران کردند. جنبش پیشتاز فدایی با عملیات سیاهکل و فعالیتهای جسورانه پس از آن، نقاب از چهره شریعت پردازان سترون بر گرفت و همه ی کسانی که به بهانه های تئوریک و ایدئولوژیک بی عملی خود را توجیه می کردند را افشا نمود. بیهوده نیست که اکنون هم با گذشت ۳۴ سال از آن رویداد تاریخی و با وجود کشتارهای هولناک و پیگردهای بربرمنشانه که مایه ننگ بشریت است، مدافعان چهل و ستم و نظریه سازان حاکمیت استبدادی مذهبی می کوشند تا با تکرار تهراتی همچون «تبلیغ مصلحانه در برابر تبلیغ مسلحانه»، به مقابله با رویداد تاریخی سیاهکل بشتابند. راستی این عریده جویبهای زنده و این کف بر دهان آوردنهای معرکه گیران نظری استبداد و آنان که از نابودی چپ و بی بدیل

بودن لیبرالیسم عنان گسیخته جدید دم می زنند، از چه روست؟ اگر جوهر و مضمون آزادیخواهانه و عدالت طلبانه جنبش پیشتاز فدایی قادر به بازتولید خود نیست، دلیل این همه تئوری بافی برای مخدوش کردن واقعیتهای این جنبش از طرف نظریه پردازان کج اندیش و بی خرد نظامهای شاه و شیخ چیست؟

واقعیت این است که درونمایه و گوهره جنبشی که از سیاهکل آغاز شد، دفاع از خواسته های برحق مردم ایران برای آزادی، استقلال و عدالت بود و تا هنگامی که مردم ایران به این خواسته ها دست نیابند، این جنبش همچنان زنده خواهد ماند و با وجود هر شکست، کم کاری و یا انحراف ادامه دهندگان آن، راه پر فراز و نشیب کسب آزادی مردم ایران را طی خواهد کرد. روزی که بنیانگذاران جنبش پیشتاز فدایی کمر به ستاندن آزادی و عدالت بستند، می دانستند که گام در راهی سخت و طولانی گذاشته اند. اما آنان این راه را با پیکارهای خونین و با قبول هزینه های آن کوتاه کردند. رژیم محمد رضا شاه در واکنش به عملیات سیاهکل به سرکوب گسترده روی آورد و در بی دادگاههای نظامی، ۱۳ تن از برجسته ترین فرزندان انقلابی میهن ما را در روز ۲۶ اسفند همان سال به جوخه های اعدام سپرد.

با حماسه سیاهکل و واکنش سرکوبگرانه رژیم شاه، جنبش رهایی بخش و جنبش کمونیستی ایران به دوران جدیدی از حیات خود پا گذاشت و ۸ سال بعد، نظام سلطنتی به دست مردم ایران سرنگون شد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران طی سالهای ۱۳۴۹ تا قیام بهمن ۱۳۵۷، زیر شدیدترین ضربات ساواک شاه و با وجود فقدان تمامی رهبران خود از جمله فداییان شهید مسعود احمد زاده، بیژن جزنی، امیر پرویز پویان، علی اکبر صفایی فراهانی، عباس مفتاحی، غفور حسن پور، حمید اشرف، اسکند صادقی نژاد و... توانست به حیات رزمنده خویش ادامه دهد و به پایدارترین سازمان سیاسی کشور تبدیل شود. این سازمان با وجود بعضی نارساییها، انحرافها، خطاها و کمبودها، به یک سازمان نیرومند با پایگاه گسترده اجتماعی و به یکی از قدرتمندترین سازمانهای کمونیستی در خاورمیانه تبدیل شد، به گونه ای که

در اولین گردهمایی علنی آن در ۱۹ بهمن سال ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران، بیش از صد هزار نفر شرکت داشتند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در آغاز سی و پنجمین سالگرد حماسه سیاهکل به تمامی زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، نابودی ستم جنسی، مذهبی و ملی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت مبارزه می کنند درود می فرستد و خاطره تمامی کسانی که در راه تحقق خواستههای ترقیخواهانه مردم ایران جان باختند را گرمای می دارد.

ما یاد همه ی زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی را که در پیکارهای بی امان و طی سی و چهار سال گذشته در پای چوبه های دار و اعدام و در رزمهای خیابانی و منطقه ای با ستمگران، در راه هدفهای سترگ جنبش نوین کمونیستی ایران به شهادت رسیدند، گرمای می داریم.

اکنون پس از ۳۴ سال در شرایطی سالگرد حماسه و قیام سیاهکل را گرمای می داریم که کارگران، مزدبگیران، معلمان، دانشجویان، زنان و جوانان کشور ما با مبارزه روزمره خود رژیم جمهوری اسلامی را هدف قرار داده اند. صدها کارگر، دانشجو و روشنفکر ایرانی طی سال گذشته به وسیله ابادی سرکوبگر رژیم ایران دستگیر و اکنون در زندان به سر می برند. در شرایط کنونی بسیاری از زندانیان سیاسی برای کسب حقوق خود دست به اعتصاب غذا زده اند. زنان ایران همچنان برای لغو ستم جنسی و کسب برابری کامل به مبارزه خود ادامه می دهند.

مبارزه مردم با نظام حاکم منجر به تشدید هرچه بیشتر تضادهای درونی هرم قدرت شده و نیروهای هرچه بیشتری از حکومت در مقابل هم قرار می گیرند. مهمتریت عرصه این تقابل که هدف آن مشارکت در ولایت است، انتخابات آتی ریاست جمهوری و به بیان درست تر، انتخاب یک تدارکاتچی برای ولایت فقیه است. از هم اکنون روشن است که رژیم بحران زده حاکم با این انتخابات فرمایشی نمی تواند بر بحران و بن بست خود غلبه کند و مردم ایران نیز همچون موارد پیشین، این نمایش انتخاباتی را به سخره خواهند گرفت.

در چنین اوضاع بحرانی و در حالی که خواست قاطبه مردم ایران تغییر نظام

استبدادی مذهبی حاکم است، سه خط مشی سیاسی و سه راه و روش متفاوت شکل گرفته و هر یک به تدارک پرداخته اند.

خط مشی اول بر این اعتقاد است که تغییرات باید از درون رژیم صورت گیرد. این خط مشی گرچه با تجربه خاتمی و علیرغم عوام فریبهای دوم خردادها و طرفدارانشان، در پهنه بین المللی از نفس افتاده اما همچنان به عنوان یک روش سیاسی مطرح می شود. واقعیت این است که نتیجه عملی این سیاست چیزی جز تقویت نظام حاکم نیست. تجربه نزدیک به ۸ سال عوام فریبی خاتمی نیز این را نشان داد. خط مشی و راه حل دوم بر حل مساله بحران از طریق دخالت خارجی تاکید می کند که به گمان آن می تواند از طریق جنگ محدود و یا ورود نیروهای نظامی خارجی، به حیات رژیم حاکم بر ایران پایان داده و آلترناتیو مورد علاقه نیروی مداخله گر را جایگزین کند.

صرف نظر از عملی بودن و یا نبودن چنین راه حلی، واقعیت این است که این پنداشت در صورت پیروزی، اراده مستقل مردم ایران را نادیده گرفته و به آزادی و حاکمیت ملی منجر نخواهد شد. به بیان صریحتر، این راه حل چیزی جز سقوط از چاله به چاه نیست. خط مشی سوم که ما و شورای ملی مقاومت ایران بر آن تاکید کرده و در راه آن مبارزه می کنیم، تغییر از طریق مردم ایران و نیروهای مقاومت مستقل و جمهوریخواه است. البته مدافعان این راه حل بر استفاده از شرایط بین المللی در جهت وادار کردن رژیم ایران به رعایت حقوق بشر و تعهد آن به میثاقهای بین المللی در مورد حقوق مردم و دست برداشتن از ماجراجویی در مورد سلاح اتمی و صدور تروریسم و بنیادگرایی تاکید دارند و در این راستا از هیچ تلاشی خودداری نمی کنند؛ اما خواست اصلی نیروهای مدافع این خط مشی از قدرتهای بزرگ، عدم حمایت و استمالت از استبداد مذهبی حاکم بر ایران (که تاکنون سیاست رسمی و عملی آنها بوده)، خودداری از مداخله نظامی و آلترناتیو سازی و اتخاذ یک سیاست بیطرفانه در برابر مبارزه مردم ایران با رژیم حاکم می باشد.

بقیه در صفحه ۱۹